45651 ـ حکم سکوت و سخن گفتن هنگام خطبۀ روز جمعه

سوال

برای نماز جمعه رفتم، اما هر بار که مصلّی وارد مسجد می‌شد سلام می‌کرد و حاضران و حتی کسانی که قرآن می‌خواندند جوابش را می‌دادند. وقتی خطبه شروع شد باز هم برخی وارد شده و سلام کردند و امام با صدای آهسته جوابشان را داد؛ آیا این کار جایز است؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

بر کسی که در نماز جمعه حضور می‌یابد واجب است که هنگام خطبه خواندن امام سکوت کند و گوش فرادهد (انصات کند)؛ سخن گفتن با دیگری برای او جایز نیست، حتی اگر برای ساکت کردن او باشد. هر کس چنین کند «لغو» (کار بیهوده) انجام داده و هر کس لغو کند، جمعه‌ای برای او نیست [یعنی از پاداش کامل آن محروم می‌شود].

از ابوهریره روایت شده که پیامبر ﷺ فرمودند: «اگر روز جمعه در حالی که امام خطبه می‌خواند به همراهت بگویی: ساکت باش، بیهوده سخن گفته‌ای (لغو کرده‌ای)». به روایت بخاری (۸۹۲) و مسلم (۸۵۱).

این ممنوعیت شامل پاسخ دادن به پرسش‌های شرعی نیز می‌شود، چه رسد به امور دنیوی.

از ابودرداء روایت شده که گفت: پیامبر ﷺ بر منبر نشستند و برای مردم خطبه خواندند و آیه‌ای تلاوت کردند؛ در حالی که اُبَیّ بن کعب کنار من بود به او گفتم: ای اُبَیّ، این آیه چه زمانی نازل شد؟ او از سخن گفتن با من خودداری کرد. دوباره از او پرسیدم و او باز هم چیزی نگفت تا اینکه رسول الله ﷺ [از منبر] پایین آمدند. آنگاه ابی به من گفت: از جمعه‌ات بهره‌ای جز همان سخن بیهوده‌ای که گفتی نصیبت نشد. وقتی رسول الله ﷺ رفتند، نزد ایشان رفتم و ماجرا را بازگو کردم. ایشان فرمودند: «اُبَی راست گفته است؛ هرگاه شنیدی که امامت سخن می‌گوید، سکوت کن تا [از خطبه‌اش] فارغ شود». به روایت احمد (۲۰۷۸۰) و ابن‌ماجه (۱۱۱۱)؛ بوصیری و آلبانی در «تمام المنة» (ص ۳۳۸) آن را صحیح دانسته‌اند.

این موضوع بر واجب بودن سکوت و گوش فرادادن و حرام بودن سخن گفتن در هنگام خطبۀ روز جمعه دلالت دارد.

ابن‌عبدالبر می‌گوید:

«میان فقیهان سرزمین‌های اسلامی در واجب بودن سکوت و گوش فرادادن به خطبه برای کسی که آن را می‌شنود، اختلافی نیست». «الاستذکار» (۵ / ۴۳).

برخی نظر شاذ و نادری داشته و با وجوب آن مخالفت کرده‌اند، اما دلیلی ندارند که دیدگاهشان را تأیید کند.

ابن‌رشد در بارهٔ حکم سکوت در خطبه می‌گوید:

«اما کسانی که آن را واجب نمی‌دانند، شبهه‌ای برای آن‌ها سراغ ندارم جز اینکه شاید گمان کرده‌اند این دستور با «دلیل خطاب» در این سخن الله متعال در تعارض است که: وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنصِتُوا [اعراف: ۲۰۴] (و چون قرآن خوانده شود، به آن گوش فرا دهید و خاموش باشید)؛ یعنی [از نظر آن‌ها] برای غیر قرآن سکوت واجب نیست؛ که البته این استدلال ضعیف است. والله اعلم؛ احتمال قوی‌تر این است که این حدیث به دست آن‌ها نرسیده باشد». «بداية المجتهد» (۱ / ۳۸۹).

از این قاعده، سخن گفتن با امام و سخن گفتن امام با مأمومان در صورت نیاز یا مصلحت استثنا می‌شود.

از انس بن مالک روایت شده که گفت: در زمان پیامبر ﷺ مردم دچار خشکسالی شدند؛ در حالی که پیامبر ﷺ روز جمعه خطبه می‌خواندند، بادیه‌نشینی برخاست و گفت: «ای رسول الله، اموال از بین رفت و خانواده‌ها گرسنه ماندند، برای ما به درگاه الله دعا کن». پس ایشان دست‌هایشان را بلند کردند... آن روز و فردا و پس‌فردا و روزهای بعد تا جمعهٔ دیگر باران بارید. سپس همان بادیه نشین ـ یا دیگری ـ برخاست و گفت: «ای رسول الله، ساختمان‌ها ویران شد و اموال در آب غرق گشت، برای ما دعا کن»، پس ایشان دست‌هایشان را بلند کردند... به روایت بخاری (۸۹۱) و مسلم (۸۹۷).

از جابر بن عبدالله روایت شده که گفت: مردی آمد در حالی که پیامبر ﷺ روز جمعه برای مردم خطبه می‌خواندند؛ پس ایشان فرمودند: «فلانی، آیا نماز خواندی؟» گفت: نه. فرمودند: «برخیز و دو رکعت نماز بخوان». به روایت بخاری (۸۸۸) و مسلم (۸۷۵).

کسی که با استناد به چنین احادیثی بر جایز بودن سخن گفتن نمازگزاران با یکدیگر و واجب نبودن سکوت استدلال کند، راه خطا رفته است.

ابن قدامه می‌گوید:

«آنچه به آن استدلال کرده‌اند، احتمالاً مخصوص کسی است که با امام سخن گفته یا امام با او سخن گفته است؛ زیرا این کار او را از شنیدن خطبه باز نمی‌دارد. به همین دلیل پیامبر ﷺ پرسیدند: «آیا نماز خواندی؟» و او پاسخ داد. عمر نیز از عثمان هنگامی که وارد شد و او خطبه می‌خواند سؤال کرد و او پاسخ داد. بنابراین برای جمع میان روایات و هماهنگی میان

آن‌ها، حتماً باید این اخبار را بر همین معنا حمل کرد؛ و قیاس کردن دیگر موارد بر این مورد صحیح نیست؛ زیرا سخن گفتن امام در حال خطبه خواندنش، برخلاف سخن گفتن دیگران است». پایان کلام از «المغنی» (۲ / ۸۵).

اما دربارهٔ دعا برای عطسه‌کننده (تشمیت) و پاسخ دادن به سلام در حالی که امام خطبه می‌خواند، علما در این باره اختلاف نظر دارند.

ترمذی در «سنن» خود ـ پس از ذکر حدیث ابوهریره که می‌گوید: «هرگاه به همراهت بگویی...» ـ آورده است:

«در پاسخ دادن به سلام و دعا برای عطسه‌کننده اختلاف کرده‌اند؛ برخی از اهل علم در پاسخ به سلام و دعا برای عطسه‌کننده هنگام خطبه خواندن امام اجازه داده‌اند که این قول احمد و اسحاق است؛ و برخی از اهل علم از تابعین و دیگران آن را ناپسند دانسته‌اند که این قول شافعی است».

در فتاوای انجمن دائمی (۸/۲۴۲) آمده است:

«بنا بر قول صحیح از میان اقوال علما، دعا برای عطسه‌کننده و پاسخ دادن به سلام در حالی که امام خطبه می‌خواند جایز نیست؛ زیرا هر یک از این‌ها سخن گفتن به شمار می‌رود و این کار بر اساس عمومیت حدیث [منع سخن] ممنوع است».

همچنین در همان منبع (۸/۲۴۳) ذکر شده:

«برای کسی که هنگام خطبه خواندنِ امام وارد مسجد می‌شود، اگر صدای خطبه را می‌شنود جایز نیست که به حاضران در مسجد سلام کند؛ و برای حاضران نیز جایز نیست که در حال خطبه خواندن امام پاسخ او را بدهند».

و باز در همان منبع (۸/۲۴۴) آمده:

«سخن گفتن هنگام ایراد خطبهٔ جمعه جایز نیست، مگر برای کسی که به دلیل اتفاقی ناگهانی با خطیب سخن بگوید».

شیخ ابن‌عثیمین می‌گوید:

«سلام کردن در حال خطبهٔ جمعه حرام است؛ بنابراین برای کسی که هنگام خطبه خواندن امام وارد می‌شود جایز نیست که سلام کند و پاسخ دادن به او نیز حرام است». «فتاوی ابن‌عثیمین» (۱۶/۱۰۰).

شیخ آلبانی می‌گوید:

اینکه کسی بگوید: «ساکت باش»، از نظر زبانی سخن بیهوده‌ای (لغو) نیست؛ زیرا از باب امر به معروف و نهی از منکر است، اما با این حال پیامبر ﷺ آن را لغو نامیده و نپذیرفته‌اند. این از باب ترجیح دادن امرِ «مهم‌تر» یعنی گوش فرادادن به

موعظهٔ خطیب، بر امرِ «مهم» یعنی امر به معروف در حین خطبه است. وقتی وضعیت چنین باشد، هر چه در مرتبهٔ امر به معروف باشد حکم آن را دارد؛ پس چگونه است اگر رتبه‌اش پایین‌تر باشد؟ در این صورت بدون شک ممنوعیت آن اولویت بیشتری دارد و شرعاً لغو محسوب می‌شود. «الأجوبة النافعة» (ص ۴۵).

خلاصه آنکه:

بر کسی که در نماز جمعه حضور می‌یابد واجب است که سکوت کند و گوش فرادهد، و جایز نیست در حالی که امام خطبه می‌خواند سخن بگوید؛ مگر مواردی که دلیل شرعی استثنا کرده است، مانند سخن گفتن با خطیب یا پاسخ دادن به او، یا آنچه ضرورت ایجاب کند مانند نجات دادن یک نابینا از افتادن و امثال آن.

سلام کردن به امام و پاسخِ او نیز مشمول این ممنوعیت است؛ زیرا سخن گفتن با امام جز برای مصلحت یا نیاز اجازه داده نشده است، و سلام و پاسخ آن از این موارد نیست.

شیخ ابن‌عثیمین در «الشرح الممتع» (۵/۱۴۰) می‌گوید:

«برای امام جایز نیست که بدون مصلحت سخن بگوید؛ بنابراین حتماً باید برای مصلحتی مربوط به نماز یا دیگر اموری باشد که سخن گفتن در آن نیکو است. اما اگر امام بدون مصلحت سخن بگوید جایز نیست.

اگر برای «نیاز» باشد که به طریق اولی جایز است؛ از جملهٔ نیازها این است که معنای جمله‌ای در خطبه برای شنونده پوشیده بماند و در این باره سؤال بپرسد، یا اینکه خطیب در آیهٔ قرآن دچار اشتباهی شود که معنا را دگرگون کند، مثلاً جمله‌ای از آیه را جا بیندازد یا امثال آن [که نمازگزاری این را به او گوشزد کند].

مصلحت مرتبه‌اش پایین‌تر از نیاز است؛ مثلاً از موارد مصلحت این است که اگر صدای بلندگو دچار مشکل شد، امام می‌تواند سخن بگوید و به مهندس بگوید: ببین مشکل بلندگو چیست؟»

والله تعالی أعلم.